



ویال سفید

نشریه علمی، فرهنگی، دانشجویی



گاهنامه نخستین - زمستان ۱۴۰۴

- از آنچه در این شماره می‌خوانید:
- مروری بر تاریخچه پرستاری در جهان
- پرستاری در ایران: از آغاز تا امروز
- روایت پرستاری در ایران‌شهر

اللَّهُمَّ احْمِنا

هویت ویال

نشریه علمی پرستاری ویال سفید

شماره اول - زمستان ۱۴۰۴

صاحب امتیاز: دانشگاه علوم پزشکی ایران شهر

مدیرمسئول: یلدا خسروی، نگهبان ایده‌ها، تیتراها و خواب‌های نیمه‌شب تیم

سردبیر: دنیا دالمن، کسی که همیشه آخرین لحظه می‌گوید: «بچه‌ها، فقط یه ویرایش کوچیک مونده»

ویراستار و صفحه‌آرا: یلدا خسروی (آره، همونه)، دشمن شماره یک نیم‌فاصله و دوست صمیمی نقطه‌ویرگول

ویراستار علمی: استاد فرحناز ایرندگانی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران شهر

پرستاری، پیش از آن‌که یک تخصص باشد، یک تعهد انسانی است؛ تعهدی که از دل تاریخ برخاسته و تا امروز ادامه دارد. در این شماره، نگاهی انداخته‌ایم به مسیر پرفرازونشیب پرستاری؛ از روزهای سخت جنگ و بیماری تا لحظات روشن خدمت و شفابخشی. از فلورانس نایتینگل با فانوسش در دل شب‌های بیمارستانی تا پرستاران امروز با نور دانش و دل‌سوزی، این حرفه همواره نماد ایثار و امید بوده است. تاریخ پرستاری، تاریخ انسان‌هایی است که در سکوت، زندگی را نجات داده‌اند. امید داریم این شماره، نه فقط ارائه‌دهنده تصویری از گذشته، بلکه الهام بخش آینده باشد؛ برای آنان که می‌خواهند با قلبی پرمهر، راه پرستاری را ادامه دهند.

دنیا دالمن

فهرست مطالب

اینجا ایستگاه پرستاری است؛ جایی که
هر مطلب، مسیری تازه است و فهرست
مطالب، راهنمای سفر ما.

مقدمه ۳

تاریخچه جهانی پرستاری ۵

تاریخچه پرستاری در ایران ۹

تاریخچه پرستاری در ایران شهر ۱۳

سخن آخر ۱۵

سخن مدیرمسئول

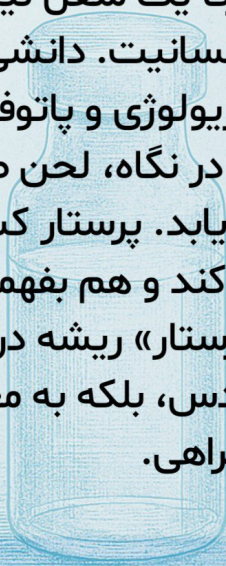
سلام دوستان عزیز، خوشحالم که
بالاخره اولین شماره نشریه خودمان
آماده شد. راستش ایده این مجله از
دل همان روزهایی آمد که می‌دیدم
چقدر قصه‌ها و تجربه‌های پرستاری
ما نادیده می‌مانند. می‌خواستیم
جایی داشته باشیم برای حرف‌زدن،
خندیدن، یادگرفتن و حتی کمی
دل‌کردن؛ جایی که همه ما، با تمام
خستگی‌ها و لبخندهای پنهان، دیده
شویم. امیدوارم وقتی این صفحات
را ورق می‌زنید، حس کنید این
نشریه دوستی واقعی است که مسیر
پرستاری را با شما نفس می‌کشد.

یلدا خسروی

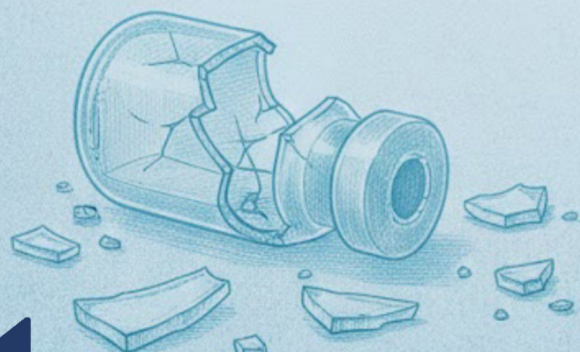
دانشجو کارشناسی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ایران شهر



اولین تزریق هر ویال، فقط ورود یک دارو به بدن نیست؛ آغاز یک فرایند است. فرایندی که اگر به موقع، درست و آگاهانه انجام شود، می تواند جان ببخشد. پرستاری نیز چنین است؛ حرفه ای که با اولین تماس آغاز می شود، با مراقبت مداوم معنا می گیرد و گاه با حضوری ساده، اثری می گذارد که هیچ دارویی قادر به ایجاد آن نیست. پرستاری صرفاً یک شغل نیست؛ آمیزه ای است از علم، هنر و انسانیت. دانشی مبتنی بر شواهد، پروتکل ها، فیزیولوژی و پاتوفیزیولوژی، و درعین حال هنری که در نگاه، لحن صدا، لمس دست و صبر تجلی می یابد. پرستار کسی است که هم باید بداند چه می کند و هم بفهمد با چه انسانی روبه روست. واژه «پرستار» ریشه در «پرستیدن» دارد؛ نه به معنای تقدس، بلکه به معنای مراقبت آگاهانه، تعهد و همراهی.



از روزگاری که مراقبت از بیمار شکلی غریزی داشت تا امروز که پرستاری دانشی دانشگاهی با نظریه ها و مدل های مستقل است، این حرفه مسیری طولانی و پرچالش را طی کرده است. فلورانس نایتینگل تنها چراغی در دست نداشت؛ او داده گردآوری کرد، آمار تحلیل نمود، محیط را اصلاح کرد و نشان داد مراقبت بدون تکیه بر علم، ناقص است. او پرستاری را از یک وظیفه صرف به یک نظام فکری و حرفه ای تبدیل کرد. **«ویال سفید»** با همین نگاه شکل گرفته است؛ ایستگاهی برای مکث در میان شتاب، فرصتی برای دیدن آنچه معمولاً نادیده گرفته می شود و فضایی برای روایت پرستاری، نه فقط آن گونه که در کتاب ها نوشته اند، بلکه آن گونه که زیسته می شود. این شماره، آغاز یک سفر است. خوش آمدی؛ این ویال اول ماست.



تاریخچه جهانی

قبل از چراغ‌ها و بعد از آن



پرستاری، بسیار پیش‌تر از بیمارستان‌ها آغاز شد؛ از زمانی که نخستین انسان کنار بیماری نشست و تصمیم گرفت او را تنها نگذارد. در مصر باستان، مراقبان تنها دارو نمی‌دادند؛ زخم‌ها را می‌شستند، هوا را تازه می‌کردند و می‌دانستند برخی دردها با تمیزی و توجه کاهش می‌یابد. جالب آن‌که بسیاری از اصولی که امروز «کنترل عفونت» نامیده می‌شوند، آن زمان نه با آزمایشگاه، بلکه با تجربه فهم شده بودند. در یونان، بیمار فقط درمان نمی‌شد؛ به او غذای مناسب، خواب منظم و آرامش می‌دادند. بقرات باور داشت محیط، بخشی از درمان است؛ نگاهی که بعدها به یکی از پایه‌های مراقبت سلامت تبدیل شد.

در هند و چین، مراقبت محدود به جسم نبود. حال روان بیمار نیز اهمیت داشت. در متون آیورودا و آموزه‌های کنفوسیوسی تأکید شده است که مراقب باید آرام، صبور و آگاه باشد؛ مفهومی که امروز آن را «ارتباط درمانی» می‌نامیم. در دوره‌هایی که جنگ و بیماری‌های همه‌گیر شایع بود، پرستاری بر دوش کسانی افتاد که نام‌شان کمتر در تاریخ ثبت شده است؛ راهبان، راهبه‌ها و مراقبانی که بدون عنوان رسمی، تنها با تجربه و تعهد، جان انسان‌ها را حفظ کردند. تا شبی در میانه جنگ؛ زنی با چراغی کوچک، آرام میان تخت‌ها قدم زد: فلورانس نایتینگل. اما ماجرا تنها به چراغ ختم نمی‌شد. او نوشت، شمرد و مقایسه کرد. دریافت که بسیاری از مرگ‌ها نه به دلیل شدت جراحات، بلکه به علت شرایط نامناسب بهداشتی رخ می‌دهند. با اصلاح محیط، تهویه و نظم مراقبتی، مرگ‌ومیر به‌طور چشمگیری کاهش یافت. در همان سال‌ها، مری سیکول-پرستاری که کمتر نامش شنیده شده-بدون حمایت رسمی خود را به میدان جنگ رساند و از سربازانی مراقبت کرد که نظام درمانی آن‌ها را نادیده گرفته بود. نقش او سال‌ها کم‌رنگ ماند، اما اثرش واقعی بود.



تاریخچه جهانی

«پرستاری یک هنر است؛ و اگر قرار است هنر باشد، به اندازه‌ی هر هنر دیگری به تعهد و فداکاری نیاز دارد.»
- فلورانس نایتینگل



پس از این تحولات، پرستاری به تدریج هویت حرفه‌ای یافت. مدارس پرستاری شکل گرفتند و آموزش منظم آغاز شد. هم‌زمان با گسترش بیمارستان‌ها و پیچیده‌تر شدن مراقبت‌های درمانی، کشورهای چونی آلمان، انگلستان و ایالات متحده به‌سوی ایجاد آموزش‌های ساختارمند پرستاری حرکت کردند. در آلمان، تأسیس مدارس پرستاری با تأکید بر آموزش علمی، انضباط حرفه‌ای و اخلاق مراقبتی، پرستاری را از فعالیتی تجربی به حرفه‌ای سازمان‌یافته تبدیل کرد. در انگلستان، الگوهای آموزشی برخاسته از اندیشه‌های نایتینگل، پایه‌گذار استانداردهای نوین شدند و در ادامه، پرستاری به تدریج وارد نظام‌های دانشگاهی شد و به‌عنوان رشته‌ای مستقل به رسمیت شناخته شد. در ادامه این مسیر، نظریه‌پردازانی مانند ویرجینیا هندرسون بر کمک به استقلال بیمار تأکید کردند و ژان واتسون یادآور شد که مراقبت، بدون توجه به انسان روبه‌رو، ناقص است. پرستار دیگر صرفاً «کمک‌کننده» نبود؛ بلکه فردی بود که می‌دید، می‌فهمید و تصمیم می‌گرفت؛ کسی که می‌دانست چه زمانی مداخله کند و چه زمانی تنها حضور داشته باشد. امروز، پرستاری ترکیبی است از علم و انسانیت؛ دانستنِ علائم و دیدنِ انسان‌ها. چراغ نایتینگل همچنان روشن است؛ نه از آن رو که او تنها بود، بلکه زیرا پس از او، بسیاری این مسیر را ادامه دادند.



پرستاری در ایران، پیش از آن‌که عنوان رشته داشته باشد، در زندگی مردم جریان داشت. در خانه‌ها، زنانی بودند که با لمس پیشانی تشخیص می‌دادند تب بیمار خطرناک است یا نه. در بسیاری از مناطق ایران، رسم بود فردی که «دستش گرم است» مراقبت بیمار را بر عهده بگیرد؛ نه از سر خرافه، بلکه بر پایه تجربه‌ای نسل‌به‌نسل که نشان می‌داد آرامش مراقب، حال بیمار را بهبود می‌بخشد. در ایران باستان، مراقبت از بیمار تنها به خانه محدود نبود.

در دوره ساسانیان، جندی‌شاپور فقط یک بیمارستان نبود؛ دانشجویان پزشکی موظف بودند کنار بیماران بمانند و روند بهبود آنان را ثبت کنند. این ثبت‌ها، چیزی شبیه نخستین یادداشت‌های مراقبتی بود؛ کاری که امروز از پایه‌های حرفه پرستاری به‌شمار می‌آید.

با ورود پزشکی نوین در دوره قاجار، مراقبت شکل رسمی‌تری گرفت. در بیمارستان‌های اولیه تهران، پرستاران اغلب افرادی بودند که زبان خارجی می‌دانستند تا بتوانند میان پزشکان خارجی و بیماران ایرانی واسطه شوند. پرستاری آن زمان تنها تزریق نبود؛ ترجمه، آرام‌سازی و همراهی نیز بخشی از وظایف پرستار به‌شمار می‌رفت. در سال ۱۲۹۸ خورشیدی (۱۹۱۹ میلادی)، در بیمارستان آمریکایی تهران، نخستین آموزشگاه رسمی پرستاری راه‌اندازی شد. این آموزشگاه با مدیریت مبلغان و پزشکان آمریکایی و با الگوبرگشتن از نظام آموزشی پرستاری غرب شکل گرفت. دانشجویان هم‌زمان آموزش می‌دیدند و شیفت می‌دادند و یکی از قوانین نانوشته این بود که پرستار باید پیش از پزشک، بالین بیمار حاضر باشد. در سال ۱۳۲۸ خورشیدی، با دستور وزارت بهداشتی وقت و هم‌زمان با گسترش آموزش عالی پزشکی، مدرسه عالی پرستاری در چارچوب دانشگاه تهران تأسیس شد. این اقدام با هدف تربیت پرستاران علمی و نظام‌مند انجام گرفت و برنامه آموزشی آن شامل دروس تئوریک، کارآموزی بالینی و ثبت گزارش‌های مراقبتی بود. از این مقطع، پرستاری برای نخستین بار هویت دانشگاهی یافت؛ پرستار دیگر صرفاً اجراکننده نبود، بلکه باید مشاهده می‌کرد، گزارش می‌نوشت و در تصمیم‌های مراقبتی مشارکت داشت.



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در توصیه‌ای
به جامعه پرستاری می‌فرمایند:

«پرستاران باید روحیه‌ی ایثار، اخلاص
و مجاهدت دوران دفاع مقدس را حفظ
کنند؛ همان روحیه‌ای که در سخت‌ترین
شرایط، درمان مجروحان را به یک عبادت
تبدیل می‌کرد.»

در دوران دفاع مقدس، پرستاری معنای دیگری
یافت. پرستارانی بودند که شیفت‌های طولانی
را بدون خواب می‌گذراندند و اطلاعات مجروحان
را روی دست یا دیوار می‌نوشتند تا خطایی رخ
ندهد. آنان نخستین کسانی بودند که مجروح
را تحویل می‌گرفتند و آخرین کسانی که از بالین
بیمار کنار می‌رفتند. امروز، پرستاری در ایران
مسیر تخصصی‌شدن و توسعه علمی را طی
می‌کند؛ چه در ICU با تنظیم دقیق دوز دارو و
چه در روستاهای دورافتاده با آموزش مراقبت
مادر و کودک. پرستاری در ایران، تاریخ کارهای
کوچک اما حیاتی است؛ کارهایی که شاید دیده
نشوند، اما اگر نباشند، هیچ چیز پیش نمی‌رود



تاریخچهٔ ایران‌شهر

از مراقبت صبورانه تا آموزش دانشگاهی



پرستاری سازمان‌یافته در ایران‌شهر از دههٔ ۱۳۳۰ خورشیدی آغاز شد. با تأسیس بیمارستان ایران‌شهر (خاتم‌الانبیاء فعلی)، گروهی از پرستاران از زاهدان، کرمان و شیراز به این منطقه آمدند. آنان تنها دارو و درمان نمی‌آوردند؛ حضورشان برای بیماران، خانواده‌ها و حتی پرستاران محلی، آرامش و امنیت به همراه داشت. در آن سال‌ها، پرستاری بیشتر ماهیتی تجربی داشت. بهیاران و کمک‌پرستاران ساعت‌ها کنار بیمار می‌ایستادند، تب و زخم‌ها را کنترل می‌کردند و بسیاری از مهارت‌ها را با تجربه و آزمون و خطا می‌آموختند. یکی از پرستاران قدیمی می‌گفت: «گاهی مجبور می‌شدیم با کول و باران برای رساندن دارو به روستاهای اطراف برویم. وقتی بیمار لب‌خند می‌زد، تمام خستگی‌مان ناپدید می‌شد.»

آموزش رسمی پرستاری از سال ۱۳۷۱ خورشیدی (۱۹۹۲ میلادی) با تأسیس مرکز آموزش پرستاری وابسته به دانشگاه علوم پزشکی زاهدان آغاز شد. بیست‌وپنج دانشجوی نخستین دوره-۱۸ زن و ۷ مرد- در محوطهٔ بیمارستان خاتم‌الانبیاء آموزش دیدند. اساتید از زاهدان اعزام می‌شدند و هر درس، ترکیبی از تئوری و تجربهٔ عملی واقعی بود؛ به‌گونه‌ای که دانشجویان می‌آموختند مراقبت یعنی حضور واقعی کنار بیمار. در سال ۱۳۹۳ خورشیدی (۲۰۱۴ میلادی)، دانشگاه علوم پزشکی ایران‌شهر به‌طور رسمی مستقل شد و دانشکدهٔ پرستاری و مامایی ایران‌شهر تأسیس گردید. امروز، آموزش پرستاری با هیئت علمی بومی و برنامه‌های تخصصی ادامه دارد. پرستاران ایران‌شهر -from مراقبت در بخش‌های ICU و اورژانس تا آموزش خانواده‌ها در روستاهای دورافتاده- نقشی حیاتی در سلامت جنوب‌شرق کشور ایفا می‌کنند. پرستاری ایران‌شهر، همان مراقبت صبورانه و دل‌سوزانهٔ گذشته را حفظ کرده است؛ با این تفاوت که اکنون با دانش علمی، مهارت‌های تخصصی و ابزارهای مدرن، جان انسان‌ها را نجات می‌دهد. هر پرستار ایران‌شهری، داستانی از حضور در لحظه‌های حساس دارد؛ داستانی که هیچ عدد و آماری به‌تنهایی قادر به انتقال آن نیست.

سخن آخر



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و
درمانی ایران شهر

در این شماره به ریشه‌ها بازگشتیم؛ به روزهایی که پرستاری تنها یک وظیفه نبود، بلکه صدای انسانیت در دل بحران‌ها بود. از فلورانس نایتینگل تا پرستاران امروز، تاریخ پرستاری روایت ایستادگی، مهر و امید است. اگر این صفحات توانسته باشد گوشه‌ای از عظمت این حرفه را نشان دهد، رسالت خود را به انجام رسانده‌ایم. باین‌حال، این تنها آغاز راه است؛ زیرا پرستاری هر روز دوباره متولد می‌شود: در نگاه مهربان، در لمس آرام و در حضور بی‌ادعا. تا شماره بعد، با افتخار در کنار شما می‌مانیم؛ با قلب‌هایی که هنوز برای خدمت می‌تپند.